

پنجمین جلسه رسیدگی به پرونده سقوط هواپیمای اوکراینی

پنجمین جلسه رسیدگی به پرونده سقوط هواپیمای ۷۳۷ اوکراینی در دادگاه نظامی استان تهران، برگزار شد.به گزارش میزان، دیروز پنجمین جلسه رسیدگی به پرونده سقوط هواپیمای ۷۳۷ اوکراینی با حضور متهمان، وکلای متهمان، شکات، خانواده جانباختگان، وکلای خانواده جانباختگان و نماینده دادستان به ریاست قاضی ابراهیم مهرانفر در دادگاه نظامی استان تهران، برگزار شد. قاضی مهرانفر در ابتدای این

ربودن دختر جوان در شب خواستگاری

اهالی محل هم از دعا و درگیری های او شاکي بودند.

وی افزود؛ برای خلاصی از مزاحمت های این مرد تصمیم گرفتیم دخترم با پسری از اقوام ازدواج کند. شب خواستگاری، جوان مزاحم مقابل خانه مان آمد و مراسم را به هم زد. وقتی سراسیمه به خیابان رفتیم دخترم نیز آمد. با اخطار به آن جوان خواستم برود که توجهی نکرد. با ما درگیر شد و چاقویی را زیر گلو ی دخترم گذاشت و با تهدید او را ربود و نتوانستیم دخترمان را نجات دهیم و جانش در خطر است.

ماموران با جمع بندی این اطلاعات به تحقیقات ادامه دادند و توانستند رد خانه متهم فراری را پیدا کنند و به آنجا اعزام شدند. ماموران محل را محاصره کرده و با اخطار به پسر جوان خواستند

گروگان را رها کند و تسلیم شود اما او دست بردار نبود و تهدید می کرد که اگر محل را ترک نکند دختر مورد علاقه اش می کشد و خودکشی می کند.

ماموران سعی در نجات دختر جوان و بازداشت آدم ربی داشتند تا این که بعد از ۶۰ دقیقه عملیات روانکاوانه توانستند وارد ساختمان شوند و با خلع سلاح کردن پسر ۲۲ ساله بازداشت کنند و دختر ۲۰ ساله که در یکی از اتاق ها زندانی شده بود را نجات دهند. پسر جوان در بازجویی ها گفت؛ دلباخته این دختر بودم و بارها به خواستگاری اش رفتم اما خانواده اش به خاطر این که



قاضی مهرانفر با اشاره به اظهارات متهم ردیف اول در جلسه چهارم دادگاه افزود؛ اظهارات متهم در جلسه گذشته در حد توضیحات اولیه بوده و سوآلات بسیاری باقی مانده است که باید از سایر متهمان پرسیده شود و آنها نیز باید پاسخگو باشند. در پنجمین جلسه دادگاه، یکی از وکلای جانباختگان نظرات و نکات خود در مورد پرونده را بیان کرد. همچنین هشت نفر از اولیای دم جانباختگان با حضور در جایگاه اظهارات خود را مطرح کردند.

پسر جوان وقتی متوجه شد دختر مورد علاقه اش قصد ازدواج با پسر دیگری را دارد، او را شب خواستگاری ربود. ماموران پلیس پس از ۶۰ دقیقه گروانگیر را خلع سلاح کرده و دختر جوان را آزاد کردند.

به گزارش خبرنگار جام جم، دو روز پیش مردی با پلیس ۱۱۰ تهران تماس گرفت و از ربوده شدن دخترش در یکی از محله های جنوبی تهران خبر داد و برای نجات فرزندش کمک خواست. ماموران راهی خانه او شوند که این مرد در تحقیقات گفت؛ دخترم در اینستاگرام با پسری آشنا شد و به هم علاقه مند گردیدند.

حتی قصد ازدواج داشتند. او چند بار به خواستگاری دخترم آمد اما با این ازدواج مخالفت کردم. آن مرد وضع زندگی خوبی نداشت و

محکمه

خوردن دسته کلید برای جلوگیری از سرقت

کلیدت رو قورت بده!



وی خارج کرد.

رئیس مرکز آموزشی، پژوهشی و درمانی ۲۲ بهمن نیشابور در این باره گفت: «پس از انتقال این مرد به بیمارستان، توسط تیم فوق تخصص گوارش و آندوسکوپی، یک دسته کلید هفت عددی از معده بیمار خارج شد.»

وی خاطر نشان کرد: «این بیمار دوشنبه، بیست و هشتم آذر با حال عمومی خوب از بیمارستان ترخیص شد.»

بررسی ها نشان داد این فرد برای این که سارق به دسته کلید مغازه اش دسترسی پیدا نکند آنها را قورت داده بود.



هفت کلید از معده مرد بیماری در یکی از بیمارستان های نیشابور خارج شد.

به گزارش خبرنگار جام جم، صبح دیروز مردی با درد شدید معده به بیمارستان ۲۲ بهمن نیشابور مراجعه و از کادر درمان درخواست کمک کرد. مرد بیمار مدعی بود که دسته کلیدش را قورت داده و بعد از آن دچار دل درد شدیدی شده است.

با توجه به وضعیت بیمار، او سریع به اتاق عمل انتقال یافت و با آندوسکوپی مشخص شد، هفت

کلید در معده این بیمار است. پزشکان بلافاصله اقدامات درمانی را آغاز کرده و توانستند دسته کلید هفت تایی را از معده

عدلیه

سرقت طلای بیماران توسط پرستار قلابی

زن سارق با پوشیدن لباس پرستاران به بخش زنان بیمارستان ها می رفت و با آیمیه مسموم، طلای بیماران و همراهان آنها را سرقت می کرد.

به گزارش خبرنگار جام جم، از اواخر بهار امسال زنانی با حضور نزد قاضی منافی در شعبه ششم بازپرسی دادسرای ناحیه ۳۴ تهران از یک زن سارق شکایت کردند.

پرونده با دستور قضایی به پلیس آگاهی تهران ارسال شد. ماموران در تحقیق از شاکیان پی بردند آنها در بیمارستان بستری بوده یا همراه بیماران بوده اند و زنی با تعارف آیمیه مسموم آنها را بیهوش و طلاهای شان را سرقت کرده است. سه نفر از شاکیان که دو نفرشان بیمار و یکی همراه بیمار بودند با خوردن آیمیه دو هفته به کما رفته و تا یک قدمی مرگ پیش رفته بودند.

ماموران به بازبینی دوربین های مداربسته سه بیمارستان در پایتخت پرداختند و تصاویری یافتند که نشان می داد سارق در بعضی از سرقت ها لباس پرستاری به تن داشته است. سرانجام دو روز پیش ماموران مستقر در یکی از بیمارستان های پایتخت، توانستند زن سارق را در حالی بازداشت کنند که دو زن را با آیمیه مسموم بیهوش کرده و در حال سرقت طلاهای شان بود.

با انتقال متهم به اداره آگاهی، مشخص شد او همان سارق تحت تعقیب است. متهم در بازجویی ها به جرم خود اعتراف کرد و گفت: یک روز به بیمارستان رفته بودم که دیدم زنی آیمیه مسموم به زن دیگری داد و او را بیهوش کرد. چند روز پیگیر وضع آن زن بودم که فهمیدم طلاهایش به سرقت رفته است. همین اتفاق جرقه ای به ذهنم انداخت تا به آن شیوه سرقت کنم.

در خانه آیمیه مسموم درست کرده و راهی سه بیمارستان شدم، گاهی لباس

محکمه

درخواست قصاص برای قاتل سنگدل پیرزن تنها

مرد سنگدل که با انگیزه سرقت، پیرزن تنها را کشته و سرش را بریده بود، با درخواست قصاص اولیای دم روبه رو شد.

به گزارش خبرنگار جام جم، تحقیقات جنایی در این پرونده از بهمن سال گذشته و با افشای راز جنایتی هولناک آغاز شد. همسایه های پیرزن تنها در دهونک، وقتی به غیبت طولانی او و استشمام بوی تعفن از خانه اش مشکوک شده بودند، با پلیس تماس گرفته و ماجرا را اطلاع دادند.

ماموران کلاترنی هم پس از حضور در محل و ورود به آپارتمان مورد نظر با جسد بدون سر پیرزن روبه رو شده که چند روزی از مرگش می گذشت. بررسی صحنه قتل نشان داد،

فردی آشنا به راحتی وارد خانه پیرزن شده و او را به قتل رسانده بود. به هم ریختگی خانه نیز حکایت از سرقت قاتل از آنجا داشت.

جسد به پزشکی قانونی منتقل شد و ماموران در تحقیق از اهالی متوجه شدند مردی میانسال هراگاهی برای انجام کارهای خدماتی به خانه پیرزن می آمد. چند روز قبل از کشف جسد هم آن مرد در ساختمان دیده شده بود.

هویت این مرد به نام سامان شناسایی و در شهر کرج دستگیر شد. خودروی سرقت شده مقتول هم مقابل خانه اش پیدا شد. متهم که سابقه دار است در تحقیقات گفت:

نظمیه

دردسر فرار دختر جوان برای مرد کتابفروش

فرار دختر جوان از خانه، مرد کتابفروش را در بدسر انداخت و او را به اتهام قتل روانه بازداشتگاه کرد. دختر جوان بعد از اطلاع از ماجرا با مراجعه به پلیس واقعیت را گفت تا آن مرد آزاد شود.

به گزارش خبرنگار جام جم، اوایل بهار امسال خانواده دختری ۲۵ساله با مراجعه به شعبه یازدهم بازپرسی دادسرای جنایی تهران با طرح شکایتی گفتند؛ دخترمان برای رفتن به یک جشن تولد از خانه مان در شهرستان بیرون آمد و ناپدید شد. چند هفته پیش بسته پستی که در آن کتاب های زمان بود به خانه مان ارسال شد که گیرنده دخترم و فرستنده فردی در تهران بود. گمان می کنیم ارسال کننده بسته را ز ناپدید شدن دخترمان را بیداند.

ماموران به آن نشانی رفتند اما کتابفروش آنجا را ترک کرده و به محل دیگری رفته بود و کسی از او خبری نداشت. ماموران بعد از چند ماه مکان جدید او را یافتند. مدیر کتابفروشی آنلاین به پلیس آگاهی احضار شد و مورد تحقیقات قرار گرفت و گفت؛ دختر جوان مشتری ام بود. چند روز قبل به دفترمان آمد و برای یافتن کار مشاوره رفت و رفت.

ماموران در بررسی انباری شرکت، کارت هویتی دختر گمشده را یافتند. علاوه بر آن لکه های خون در انباری پیدا کردند که احتمال می رفت دختر جوان در آنجا به قتل رسیده باشد. بنابراین از مدیر شرکت دوباره تحقیق کردند که مدعی شد موقع جابه جایی کارت کتاب با دستش زخمی شده و لکه های خون مربوط به آن ماجراست. آزمایش لکه های خون هم صحت گفته های این مرد را ثابت کرد.

تحقیقات ادامه داشت تا این که دختر گمشده به پلیس آگاهی رفت و گفت؛ خانواده ام به زور می خواستند مرا شوهر دهند. همین شرایط باعث شد از خانه فرار کنم. سرع مرد کتابفروش رفتم، مشاوره کاری گرفته و محل را ترک کردم. همان موقع هم چند کتاب سفارش دادم و خواستم به آدرس خانه مان بفرستد. در این مدت هم در یک پانسوین بودم. وقتی متوجه شدم مرد کتابفروش متهم به قتل من شده تصمیم گرفتم به پلیس آگاهی بیایم. با توجه به هفته های دختر جوان، مرد کتابفروش آزاد شد.

جام جم

حوادث INCIDENT

سه شنبه ۲۹ آذر ۱۴۰۱ ■ شماره ۶۳۸۶

کوتاه از حوادث

بازداشت شرور سابقه دار

شرور سابقه داری که با ایجاد رعب و وحشت در محله گیشا اقدام به قدرت نمایی می کرد، بازداشت شد.

سرهنگ سعید راستی، رئیس مرکز عملیات پلیس اطلاعات تهران بزرگ به سایت پلیس گفت؛ با دریافت گزارش های مردمی مبنی بر اقدام به قدرت نمایی و ایجاد رعب و وحشت از سوی مردی شرور در محله گیشای تهران تحقیقات پلیسی در این باره آغاز شد.

این مرد که آرامش اهالی را برهم زده و از اراذل و اوباش سابقه دار بود، تحت تعقیب قرار گرفت و بازداشت شد. متهم در تحقیقات به ایجاد رعب و وحشت برای مردم با انگیزه قدرت نمایی اعتراف کرد.

دفاع مامور پلیس درباره شلیک مرگبار

مامور پلیس که متهم به قتل عمد پسر جوانی شده در دادگاه مدعی شد قانون استفاده از سلاح را رعایت کرده اما از شانس بد او، گلوله کمانه کرده بود.

به گزارش خبرنگار جام جم، اواخر پاییز سال ۹۸ درگیری دو پسر در مرکز تهران به ماموران گزارش و یکی از ماموران کلاترنی به محل اعزام شد.

از طرفین درگیری، یکی پسری ۳۰ ساله به نام پیمان بود که با مشاهده مامور پلیس شروع به دویدن کرد. مامور پلیس به تعقیبش پرداخت و پس از هشدار، اسلحه را به سمتش نشانه رفت تا او را متوقف کند.

پسر جوان همچنان به فرارش ادامه می داد که مامور کلاترنی به سمتش شلیک کرد. گلوله پس از برخورد با دست به سینه پیمان وارد شد. پیمان با آمبولانس به بیمارستان منتقل شد اما بر اثر شدت جراحات جان باخت.

با تکمیل تحقیقات در دادسرا، برای مامور پلیس به اتهام قتل عمد کیفرخواست صادر و پرونده به شعبه ۱۱ دادگاه کیفری یک استان تهران ارسال شد. در ابتدای جلسه مادر پیمان برای مامور پلیس درخواست قصاص کرد و گفت: « بسرم جرمی مرتکب نشده و فقط با یک نفر دعوا کرده بود و مجازاتش مرگ نبود.»

سپس مامور پلیس در جایگاه قرار گرفت و گفت: « اتهام قتل عمد را قبول ندارم. آن روز وقتی به محل رسیدم پیمان با سرعت گریخت. به او ایست دادم اما توجهی نکرد. دو تیرهوائی شلیک کردم اما همچنان فرار کرد. با در نظر گرفتن قانون بکارگیری سلاح، بازویش را نشانه رفتم اما از شانس بد من، گلوله کمانه کرد و به پهلوش وارد شد. من واقعا قصد کشتن پسر جوان را نداشتم و درخواست بخشش دارم.»

وکیل متهم هم در دفاع از او گفت: «مؤلمک قانون بکارگیری سلاح را رعایت کرده و گلوله کمانه کرده و به سینه پیمان وارد شده. به همین دلیل تقاضای تبرئه مؤلمک از اتهام قتل عمد را دارم.» پس از دفاعیات متهم و وکیلش، قضات برای تصمیم گیری وارد شور شدند.

بازداشت سرهنگ قلابی مسلح

مردی که با جعل عنوان سرهنگ از مردم کلاهبرداری و اخاذی می کرد، بازداشت شد. سرهنگ جلیل موقوفه ای، رئیس پلیس

پیشگیری تهران بزرگ به ایسنا گفت؛ ماموران عملیات کلاترنی ۱۰۶ نامجو هنگام گشتزنی در حوزه استحفاظی خود، فردی را با لباس نظامی و درجه سرهنگی مشاهده کردند. ماموران او را زیر نظر گرفتند تا این که با رفتار غیرعادی که از خود بروز داده بود، به او نزدیک شدند و مدارکش را خواستند. در ادامه معلوم شد این فرد فاقد هرگونه درجه نظامی است.

وی افزود؛ در بررسی از کیف او یک اسلحه کلت کمری، یک رشته دستبند فلزی، بیسیم دستی، دستگاه شوکر، یک تیغه سلاح سرد و کارت شناسایی جعلی با درجه سرهنگی کشف شد. در خودروی متهم نیز که همان حوالی پارک شده بود تعدادی پلاک تقلبی و تجهیزاتی مثل آذیر و آل ای دی کشف شد. متهم ۴۰ ساله بازداشت و اعتراف کرد که با جعل عنوان سرهنگ قلابی از مردم کلاهبرداری و اخاذی می کرده است.

ناکامی متهمان در سرقت از طلافروشی

سه مرد جوان که بعد از دزدیدن خودروی سواری برای سرقت از طلافروشی در تالش اقدام کرده بودند، ناکام ماندند و بازداشت شدند. سرهنگ محمد رستمی، فرمانده انتظامی تالش استان گیلان به مهر گفت؛ بیست و سوم آذر امسال وقوع یک فقره سرقت مسلحانه ناکام از یک طلافروشی در شهرستان تالش به پلیس گزارش شد.

در جریان تحقیقات رد سه متهم فراری این پرونده در استان تهران شناسایی و بازداشت شدند. یک قبضه سلاح و پنجستر همراه مقامی در فشنگ و یک سلاح سرد از آنها کشف شد. وی افزود؛ در جریان تحقیقات از این سه متهم که ۱۹.۱۷ و ۳۰ ساله بودند معلوم شد یک روز قبل از اقدام به سرقت طلافروشی، با زورگیری یک دستگاه خودروی پژو پارس را سرقت کرده و روز بعد با پوشاندن چهره و با سلاح گرم وارد طلافروشی در یکی از محله های تالش شدند. پس از به صدار آمدن آذیر مغازه توسط صاحب طلافروشی، آنها ناکام ماندند و فرار کردند.